

## درک قدرت هوشمند در روندهای سیاست خارجی روسیه (۲۰۱۴-۲۰۱۹)

### مهدی هدایتی شهیدانی<sup>۱</sup>

بیش از یک دهه از ورود مفهوم قدرت هوشمند به ادبیات سیاسی و مطالعات بین‌المللی می‌گذرد. اگرچه این مفهوم ابتدا در محافل سیاسی و دیپلماتیک آمریکایی رایج گردید، اما در چند سال اخیر قدرت هوشمند به واسطه محتوای جامع در دستورکار سایر قدرت‌ها همچون روسیه نیز قرار گرفته است. اهمیت مفهوم قدرت هوشمند به نوعی بازتاب تحول در روابط قدرت در سطوح جهانی می‌باشد. حضور فعال روسیه در بسیاری از موضوعات بین‌المللی موجب شده است تا در این مقاله براساس اصول مبنایی قدرت هوشمندانه به ارزیابی راهبردهای مسکو و انطباق آنها با این اصول پرداخته شود. براین اساس، سوال اصلی مقاله آن است که آیا تلاش روسیه برای استفاده از قدرت هوشمند در راستا تأمین اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی این کشور مؤثر واقع شده است؟ در پاسخ به این سوال، فرضیه مقاله بیانگر آن است که براساس ماهیت ترکیبی (قدرت نرم و قدرت سخت) در الگوی قدرت هوشمند، اگرچه ابعاد نرم‌افزارانه قدرت روسیه در حوزه پیرامونی با چالش‌های جدی همراه بوده است، اما نقطه تکیه قدرت هوشمند این کشور مبتنی بر قدرت سخت می‌باشد. براین اساس، مسکو با ایجاد فرصت از درون تهدید تلاش دارد تا به ایجاد مشروعیت برای کنش‌های بین‌المللی خود بپردازد. این رهیافت به نوعی نشان‌دهنده عدم توازن در مولفه‌های ترکیبی قدرت هوشمند روسیه است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد استفاده از هوشمندی محیطی، واکنش سریع، انعطاف‌پذیری عقلانی و همچنین بهره‌برداری از منابع قدرت برای استمرار فرآیند رشد مهم‌ترین ویژگی موجود در راهبرد قدرت هوشمند روسیه طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ بوده است.

**واژگان کلیدی:** قدرت هوشمند، روسیه، انعطاف‌پذیری عقلانی، هوشمندی محیطی و فرآیند رشد.

## مقدمه

اگرچه استفاده از مفهوم "قدرت هوشمند"<sup>۱</sup> طی سال‌های اخیر در محافل علمی، سیاسی و دیپلماتیک بسیار رایج شده است، اما این مفهوم به عنوان یکی از رویکردهای سیاست خارجی رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده - باراک اوباما - مطرح بود. اثرگذاری این مفهوم بر روندهای سیاست خارجی ایالات متحده و همچنین وجود انگیزه‌های مشابه سایر بازیگران بین‌المللی همچون چین، اتحادیه اروپایی و روسیه اجازه می‌دهد تا درباره اهمیت بنیادین مفهوم قدرت هوشمند به عنوان نشانه‌ای از تحول در روابط مبتنی بر قدرت در سیاست جهانی طرح بحث شود. در همین راستا در سال ۲۰۰۶ "مرکز تحقیقات راهبردی و بین‌المللی"<sup>۲</sup> آمریکا اقدام به تشکیل کمیسیون قدرت هوشمند<sup>۳</sup> به رهبری معاون سابق وزیر خارجه، ریچارد آرمیتاژ<sup>۴</sup> (۲۰۰۱-۲۰۰۵) و جوزف نای<sup>۵</sup>، نظریه‌پرداز قدرت نرم، کرد. شکل‌گیری این کمیسیون بیشتر ناشی از نگرش انتقادی این افراد نسبت به سیاست خارجی جورج دبلیو بوش بود (Русакова, 2015:33-34). راهبرد اشغال در نهایت منجر به تضعیف اعتبار آمریکا در عرصه بین‌المللی شد؛ چرا که واشنگتن امکان ترکیب عناصر قدرت سخت و نرم را از دست داده بود. جوزف نای پیش‌تر توانایی چنین ترکیبی را قدرت هوشمند نامیده بود. وی بعدها در کتاب خود با عنوان آینده قدرت<sup>۶</sup> منابع بیشتری برای قدرت هوشمند معرفی کرد که دیپلماسی، اقتصاد، عوامل نظامی، سیاسی و ابزارهای فرهنگی از آن جمله بودند.

فدراسیون روسیه نیز به مثابه یکی از بازیگران مهم نظام جهانی و همچنین به واسطه برخورداری از ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به‌گونه‌ای دیگر رویکرد قدرت هوشمند را در سیاست خارجی خود تجربه کرده است. این کشور از جمله بازیگرانی بوده است که بیش از هر زمان دیگری در تاریخ خود با تحولات مهم بین‌المللی همچون فراگیری جهانی‌شدن، بحران‌های متعدد اقتصادی، رویش و افول بازیگران جدید در معادلات جهانی قدرت، روند رو به رشد بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و تهدیدهای نامتقارن همچون تروریسم و در نهایت همگرایی‌ها و

<sup>1</sup>. Smart Power / Умная Сила

<sup>2</sup>. Center for Strategic and International Studies (CSIS)

<sup>3</sup>. CSIS Commission on Smart Power

<sup>4</sup>. Richard Armitage

<sup>5</sup>. Joseph Nye

<sup>6</sup>. The Future of Power

واگرایی‌های متعدد در جغرافیای پیرامونی خود روبه‌رو است (نوری، ۱۳۹۴: ۵۱). از منظر رهبران کرملین، روندهای سیاست خارجی روسیه در یک بستر عادی قابل پیگیری نیستند، بلکه مواجهه با هریک از تحولات یادشده و تحقق اهداف و اولویت‌ها در شرایط به‌کارگیری یک سیاست هوشمندانه مبتنی بر بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها و حتی محدودیت‌ها جهت رفع تهدیدها و چالش‌ها برای روسیه محقق خواهد شد. الکساندر سرگونین<sup>۱</sup> معتقد است، روسیه به عنوان میراث‌دار حکومت شوراهای در دوران جدید، رویکرد قدرت هوشمند را در حفظ و ایجاد تعادل میان منابع نرم و سخت قدرت براساس تجارب موجود در تاریخ اتحاد جماهیر شوروی دنبال کرده است (سرگونین، ۱۳۹۷: ۵۳). در مطالعات مشابه پیرامون رویکرد مسکو در حفظ توازن میان دو منبع سخت و نرم قدرت برای نیل به توانمندی‌های هوشمندانه، ارزیابی‌های متنوعی به چشم می‌خورد. برخی آن را موفق و برخی دیگر آن را نامتوازن محسوب کرده‌اند. این مقاله برای درک دقیق میزان کامیابی روسیه در رسیدن به اهداف تعیین شده خود براساس رویکرد قدرت هوشمند طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ طراحی و به انجام رسیده است تا بتواند بازخورد مستقلی را از این موضوع به دست آورد. دلیل انتخاب این بازه زمانی آن بوده است که با فراگیری بحران اوکراین و در نتیجه بالاگرفتن فضای تعارض میان روسیه و غرب، شکل جدیدی از الگوهای رفتاری مبتنی بر همکاری و رقابت در دستور کار مسکو نه فقط در ارتباط با کشورهای غربی، بلکه به طور مشخص نسبت به بسیاری از موضوعات حوزه سیاست خارجی قرار گرفت.

پیرامون ارتباط میان مفهوم قدرت هوشمند و سیاست خارجی فدراسیون روسیه طی سال‌های اخیر در میان آثار فارسی زبان پژوهشی صورت نگرفته است. در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته نسبت به رویکرد قدرت هوشمند روسیه این استدلال مطرح می‌شود، مسکو نتوانسته است از ظرفیت نرم‌افزارانه قدرت خود نسبت به حوزه پیرامونی بهره‌برداری صحیحی را به انجام برساند. اما در عین حال ابزارهای سخت قدرت آن همواره برای موضوعات سیاست خارجی فعال بوده‌اند. بنابراین نمی‌توان نسبت به استفاده درست این کشور از قدرت هوشمند به نتیجه ملموسی دست یافت (Markozashvili & Dvalishvili, 2017, Chisholm, 2017, Makarychev, 2018).

<sup>۱</sup>. Алексадр Сергунин

چرا که زیربنای قدرت هوشمند براساس اصولی همچون «هویج و چماق»<sup>۱</sup> پی‌ریزی شده است. این موضوع به معنای نمایش مشوق‌ها به مخاطبان هدف‌گذاری شده در حوزه خارج نزدیک بود که در عین حال اقدامات اجبارآمیز را نیز از سوی مسکو مشاهده می‌کردند. به عنوان نمونه، حدود یک دهه قبل روسیه در استفاده از شاخص‌های قدرت نرم در سیاست خارجی در جایگاه دهم، اما در استفاده از منابع سخت‌افزارانه قدرت جزو کشورهای معرفی می‌شد که همواره در صدر سایرین قرار می‌گرفت (Топорков и Курляева, 2012). همچنین در ابتدای دهه دوم قرن بیست‌ویک، رویکرد روسیه برای ایجاد توازن میان فاصله قدرت نرم و سخت از طریق استفاده از فرصت حضور شهروندان روس‌زبان در کشورهای پیرامونی، مبادلات فرهنگی و توسعه خدمات آموزشی استوار بوده است. اما با وقوع بحران اوکراین و الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه و کاهش اعتبار منابع قدرت نرم کرملین در خارج نزدیک، شکل جدیدی از رویکرد مسکو به حفظ توازن میان دو مولفه قدرت به نمایش گذاشته شد. به نظر می‌رسد از این مقطع زمانی به بعد، قدرت هوشمند روسیه بهره کمتری از منابع نرم‌افزارانه قدرت دارد و تمرکز بیشتری بر جنبه‌های سخت‌افزارانه کرده است.

بر اساس این مقدمه، مقاله حاضر به دنبال آن است تا نشان دهد چنانچه به گسترش معنایی و دامنه وسعت قدرت هوشمند در روندهای سیاست خارجی کشورها معتقد باشیم، خواهیم توانست نتایج دیگری نسبت به بهره‌مندی حداکثری از این رویکردها را نزد بازیگرانی همچون روسیه مشاهده کنیم. براساس این رویکرد، پرسش اصلی آن خواهد بود آیا تلاش روسیه برای استفاده از قدرت هوشمند در راستا تأمین اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی این کشور مؤثر واقع شده است؟ در پاسخ به این سوال، فرضیه مقاله بیانگر آن است که براساس رویکرد ترکیبی (قدرت نرم و قدرت سخت) در الگوی قدرت هوشمند، اگرچه رویکرد قدرت نرم روسیه در حوزه پیرامونی با چالش‌های جدی همراه بوده است، اما نقطه تکیه قدرت هوشمند این کشور مبتنی بر قدرت سخت می‌باشد. براین اساس، مسکو با ایجاد فرصت از درون تهدید تلاش دارد تا به ایجاد مشروعیت برای کنش‌های بین‌المللی خود بپردازد. این رهیافت به نوعی نشان‌دهنده عدم توازن در مولفه‌های ترکیبی قدرت هوشمند روسیه است. با این وجود، استفاده از هوشمندی محیطی، واکنش سریع، انعطاف‌پذیری عقلانی و همچنین بهره‌برداری از منابع قدرت برای استمرار فرآیند رشد مهم‌ترین ویژگی

<sup>۱</sup>. Carrot and Stick

موجود در راهبرد قدرت هوشمند روسیه طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ بوده است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی ضمن تبیین شاخص‌های قدرت هوشمند روسیه به انطباق عملکرد آن در برخی از مهم‌ترین موضوعات سیاست خارجی این کشور در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ پرداخته خواهد شد.

### چارچوب مفهومی

قدرت هوشمند؛ این مفهوم اولین بار در سال ۲۰۰۴ توسط سوزان ناسل<sup>۱</sup> در مقاله‌ای در نشریه آمریکایی فارین پالیسی<sup>۲</sup> مطرح شد. ناسل، قدرت هوشمند را به معنای ادغام هدفمند و خردورزانه دو منبع سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه قدرت برای مقابله با انواع تهدیدها به کار برد. در واقع، دلیل آن که ناسل در آن مقطع زمانی، مفهوم قدرت هوشمند را در ادبیات سیاسی منتشر می‌ساخت به مشکلات اقناعی سیاست خارجی آمریکا در ترکیب همزمان منابع و توانایی‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک مربوط بود. ناسل معتقد بود چنانچه آمریکا در جهت ترکیب منابع متنوع و بعضاً متعارض قدم بردارد، می‌تواند امیدوار باشد تا برتری جهانی خود را ادامه‌دار ببیند. از سویی دیگر از منظر ناسل این که کشورها در سیاست خارجی تنها به دنبال منابع اقناعی<sup>۳</sup> منبعت از قدرت نرم خود گام بردارند، نمی‌تواند تأمین‌کننده تمام اهداف مدنظر آنها باشد (Nassel, 2004: 133). در واقع، ناسل به رویکرد جوزف نای در فضای پس از جنگ سرد اشاره می‌کرد؛ جایی که نای معتقد بود در دوران پسادوقطبی، حداکثرسازی منابع نرم‌افزارانه قدرت به عنوان اساسی‌ترین دستورالعمل سیاست خارجی آمریکا باید در نظر گرفته شود (Nye, 2004: 11). نگاه نای در دسته‌بندی منابع قدرت در جدول صفحه بعد نمایش داده شده است.

---

<sup>۱</sup>. Suzanne Nassel

<sup>۲</sup>. Foreign Policy

<sup>۳</sup>. Persuasive Resources

شکل ۱. انواع قدرت

نرم	سخت	
تعیین برنامه جذابیت همکاری	القاء اجبار دستور	طیف‌های مختلف رفتار
نهادهای / ارزش‌ها فرهنگ سیاست‌ها (سیاست خارجی)	اجبار تحریم‌ها	مهم‌ترین منابع احتمالی

Source: (Nye, 2004: 8)

اما ناسل در حدود یک دهه بعد از طرح نظریه قدرت نرم<sup>۱</sup> نای با وارد کردن مفهوم قدرت هوشمند به ادبیات رایج سیاسی، شکل جدیدی از ترکیب عناصر متعدد قدرت را به تصویر کشید. ناسل، ترکیب منابع قدرت نرم و سخت را در پرتو شرایط زمانی و مکانی مورد اشاره قرار داد و به اعتقاد وی یکپارچگی کامل منابع مختلف قدرت ملی به عنوان اصلی‌ترین ویژگی ماهیت قدرت هوشمند محسوب می‌شوند. در واقع، یک راهبرد ترکیبی، شامل قدرت سخت و نرم این اجازه را به ملت‌ها خواهد داد تا خود را در مقابل تحولات دائمی و خطرات ناشی از تهدیدهای نامتقارن ایمن سازند.

همان‌طور که گفته شد، جوزف نای نیز در سال ۲۰۰۷ در گزارشی که به همراه ریچارد آرمیتاژ منتشر کرد، بر اهمیت قدرت هوشمند در سیاست خارجی اذعان کرد. در این گزارش، نای و آرمیتاژ تاکید داشتند که قدرت هوشمند نه سخت است و نه نرم، بلکه کاربرد ماهرانه هر دوی آنها است. این نوع از قدرت به معنای توسعه یک راهبرد عمل‌گرایانه مبتنی بر منابع و ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف آمریکا در قرن ۲۱ است. قدرت هوشمند ضمن آنکه قدرت نظامی تولید می‌کند، بر ائتلاف‌ها نیز تاکید دارد. قدرت هوشمند به همکاری و کارکرد نهادهای در تمامی سطوح برای افزایش نفوذ و نهادینه کردن مشروعیت آمریکا در سطح جهانی توجه دارد (Armitage & Nye, 2007:6-7). در سال ۲۰۱۱، نای به طور ویژه اقدام به بسط و گسترش مفهوم قدرت هوشمند کرد. یکی از برجسته‌ترین و کلیدی‌ترین نکاتی که نای در این کتاب مطرح می‌سازد، آن است که استفاده از توانمندی قدرت هوشمند تنها

<sup>۱</sup>. Soft Power Theory

منحصر به ایالات متحده نمی‌باشد (نای، ۱۳۹۲: ۲۷۸)، بلکه سایر کشورها نیز می‌توانند از آن بهره‌برداری نمایند.

از قدرت هوشمند تا قدرت بُرنده<sup>۱</sup> (شارپ پاور)؛ در نوامبر سال ۲۰۱۷ در نشریه فارین افرز<sup>۲</sup> از کریستوفر واکر<sup>۳</sup> و جسیکا لودویگ<sup>۴</sup> مقاله‌ای با عنوان قدرت برنده منتشر شد. برخلاف مفهوم قدرت نرم این واژه برای بهبود تصویر کشورها و دولت‌ها در صحنه بین‌المللی عرضه نشده بود. دو نویسنده تلاش داشتند، نشان دهند که رویکرد تحلیلگران غربی در تبیین نفوذ کشورهای هم‌چون روسیه و چین در محیط پیرامون خود براساس مفهوم قدرت نرم رویکردی ناصحیح محسوب می‌شود؛ چرا که اگرچه این قبیل از کشورها از یک سو با ابزارهای قدرت نرم هم‌چون رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها اقدام به پیگیری اصول مورد پذیرش دموکراسی‌های غربی در حوزه بین‌المللی می‌کنند، اما از سوی دیگر در حوزه داخلی آنها را با استانداردهای متفاوتی به اجرا می‌گذارند. بنا بر ادعای این دو نویسنده، «تمامی فعالیت‌های مسکو و پکن که توسط آنها و تحت منابع قدرت نرم به انجام می‌رسد در یک جنگ اطلاعاتی و فناورانه قابل دسته‌بندی است» (Walker and Ludwig, 2017). از همان سال به بعد در تحلیل‌های اندیشمندان و رسانه‌های غربی، استفاده از مفهوم قدرت برنده در مورد رویکردهای غیرسخت‌افزارانه کشورهای هم‌چون روسیه و چین مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در این برداشت چنین ادعایی مطرح بود، استفاده از دستکاری اطلاعات توسط مسکو و پکن به تحریف واقعیت‌های محیط سیاسی آنها منجر شده است و چون نفوذ آنها در پیرامون خویش نه براساس منابع قدرت نرم (اقناع)، بلکه براساس تخریب محیط‌های سیاسی و اطلاعاتی بنا گذاشته شده است در نتیجه قدرت بُرنده نامیده می‌شود.

جوزف نای نیز در سال ۲۰۱۸ با تایید این خوانش، آن را یک تهدید قدیمی نامید که پیش‌تر جنگ اطلاعاتی عنوان می‌شد. از نظر نای این رویکرد تمام ظرفیت‌های قدرت نرم را در دنیا از بین خواهد برد و چنانچه دنیای غرب به ویژه ایالات متحده برای مواجهه با آن از شیوه مشابه بهره جوید در حصار آن محدود خواهد شد (Nye, 2018). اگرچه روشن است که چرا تلاش اندیشمندی هم‌چون نای برای تبیین منازعه سایبری موجود میان قدرت‌های

<sup>1</sup>. Sharp Power

<sup>2</sup>. Foreign Affairs

<sup>3</sup>. Christopher Walker

<sup>4</sup>. Jessica Ludwig

بزرگ به این شکل بیان می‌گردد، اما در مقابل نویسندگان روس از دریچه دیگری به این مسئله پرداخته‌اند.

به تعبیر برخی از محققان روس، قدرت هوشمندانه<sup>۱</sup> نقطه مقابل همه انواع و اقسام قدرت قرار دارد که توسط اندیشمندان غربی دسته‌بندی شده‌اند. به عنوان نمونه، استولتوف<sup>۲</sup> معتقد است، رویکرد قدرت هوشمندانه نوعی راهبرد است که نسبت به راهبردهای قبلی منسجم‌تر عمل می‌نماید و سایر اقسام قدرت (نرم، سخت و هوشمند) در مرتبه پایین‌تری از راهبرد قدرت هوشمندانه قرار دارند (Столетов, 2014:66). این راهبرد بیشترین اثرگذاری را بر فرایندهای فناوری اطلاعات و همچنین معادلات ذهنی بر جای می‌نهد که استفاده از آن تابع یک ساختار منظم و منطقی می‌باشد. در واقع، قدرت هوشمندانه توسط بازیگرانی مورد بهره‌برداری واقع می‌شود که به روندهای اداره‌گری جهانی نیم‌نگاهی دوخته‌اند (Леонова, 2019:21). نویسندگان روس تلاش دارند، نشان دهند که در بطن واژه هوشمندانه نوعی انتخاب بر مبنای عقلانیت فعال و پویا وجود دارد که به دنبال تحقق اولویت‌های ملی در شرایط دشوار (پس از تحریم‌های غرب نسبت به مسکو) است.

### رویکردهای مختلف نسبت به شاخص‌های قدرت هوشمند روسیه

جوزف نای به عنوان یکی از اصلی‌ترین کسانی که در باب قدرت هوشمند به نظریه‌پردازی پرداخته است، اعتقاد دارد که یکی از الزامات به‌کارگیری قدرت هوشمند توسط کشورها، توانایی استفاده از منابع نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه قدرت می‌باشد. یعنی فقدان بهره‌مندی از هر کدام از این منابع به معنای عدم تحقق قدرت هوشمند تلقی می‌گردد. براین اساس وی در مقالاتی که در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ در باب این مسئله نوشته است، تاکید می‌کند آنچه روسیه در مسیر تحقق قدرت هوشمند به انجام می‌رساند به دلیل نادیده‌انگاشتن منابع قدرت نرم در بهترین حالت شاید بتوان قدرت سخت نامید. با این حال، تحقیقات دیگر برخلاف آنچه که نای بدان اشاره داشته است، قدرت هوشمند روسیه را نمونه‌ای منحصر به فرد برشمرده‌اند که از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است.

<sup>۱</sup>. Разумая Сила

<sup>۲</sup>. Столетов



آندرو چی شولم<sup>۱</sup> در تحقیقی پیرامون قدرت هوشمند روسیه به چهار عامل اصلی تشکیل دهنده این منبع اشاره می‌کند. از نظر وی، جذب کردن<sup>۲</sup>، مشروع کردن<sup>۳</sup>، اجبار کردن<sup>۴</sup> و اختلال ایجاد کردن<sup>۵</sup> را می‌توان به مثابه چهار عنصری در نظر گرفت که به واسطه کنشگری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روسیه در دستورکار کرم‌لین برای سیاستگذاری خارجی قرار گرفته است. آندرو معتقد است، محدودیت‌های نگاه نای به موضوع قدرت هوشمند منجر به این نتیجه‌گیری نادرست می‌شود که روسیه برای دستیابی به اهداف خود تنها به گزینه اجبار متکی است. در واقع به اعتقاد آندرو، اگر برای ناقص بودن قدرت هوشمند روسیه به قدرت نرم ضعیف آن اشاره کنیم، آنگاه نخواهیم توانست سازگاری این کشور با شرایط پیرامونی خود را طی سال‌های اخیر تجزیه و تحلیل نماییم. براساس رویکرد نای، اگر کشوری به وسیله گزینه اجبار و یا جذابیت هدف قرار گرفته شود یا باید تسلیم گردد و یا خیر. در نتیجه گزینه سومی در کار نخواهد بود؛ اما ماهیت قدرت هوشمند روسیه آن است که با استفاده از طرح‌ریزی منسجم و بسیار پیچیده زمینه سردرگمی رقبای خود را فراهم می‌کند (Chisholm, 2018:35).

رویکردهای متفاوت همچون آنچه که آندرو به نمایش می‌نهد، بیانگر این نکته هستند که نگاه نای نسبت به شاکله قدرت هوشمند کشورها الزام نمی‌تواند ماهیت یکسانی داشته باشد. در نتیجه باید خوانش نای را یک رویکرد قراردادی ابتدایی در نظر گرفت. در این صورت خواهیم توانست نمونه‌های دیگری را نیز برای تطبیق رفتار هوشمندانه کشورها تبیین کنیم. در این مقاله از چند متغیر متنوع برای درک قدرت هوشمند روسیه بهره برده می‌شود. هوشمندی محیطی، واکنش سریع، انعطاف‌پذیری عقلانی و همچنین رویکرد ترکیبی در بهره‌برداری از منابع قدرت برای استمرار فرایند رشد به عنوان مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که در رویکرد قدرت هوشمند روسیه مورد آزمون قرار می‌گیرند.

**هوشمندی محیطی<sup>۶</sup>؛** این عامل در رویکرد قدرت هوشمند به معنای آن است که در نگاه روسیه، حوزه پیرامونی این کشور همواره از ظرفیت تهدیدزایی مستمر برخوردار است.

<sup>1</sup>. Andrew Chisholm

<sup>2</sup>. Attract

<sup>3</sup>. Legitimize

<sup>4</sup>. Coerce

<sup>5</sup>. Disrupt

<sup>6</sup>. Environmental Intelligence

یعنی وجود ضعف‌های داخلی روسیه می‌تواند به مثابه نقاط آسیب‌پذیری قلمداد شود که توسط قدرت‌های خصمانه جهان بیرونی برای از بین بردن روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرد (لارتنی، ۱۳۹۷: ۲). در نتیجه، مسکو تمرکز ویژه‌ای بر مدیریت حوزه پیرامونی خود از طریق رویکرد هوشمندی محیطی دارد. هوشمندی محیطی این امکان را به مسکو می‌دهد تا برای مدیریت مرزهای پهناور خود از سازوکار چندبرداری موسع بهره‌برد. روسیه به عنوان بزرگترین کشور جهان که دارای همسایگان فراوانی است در چندین نقطه ژئوپلیتیک حساس همچون شرق اروپا، قفقاز، آسیای مرکزی، شرق دور و حوزه آسیا-پاسفیک دارای اولویت‌های راهبردی می‌باشد (Lambert, 2017: 4). وجود این حوزه‌های متعدد و متنوع، ضرورت در پیش گرفتن یک سیاست مستمر هوشمندانه برای مدیریت تهدیدها و فرصت‌های محیطی را ایجاب می‌نماید.

حتی اعتراض روسیه به اقدامات یک‌جانبه آمریکا در اوایل قرن ۲۱ که در سال ۲۰۰۷ با سخنرانی پوتین در کنفرانس امنیتی مونیک برجسته شد، حکایت از تفسیر تهدیدآمیز از اقدامات واشنگتن توسط مسکو داشت. به طوری که روسیه سیاست خارجی آمریکا را عامل بی‌ثبات‌کننده و تهدیدکننده نسبت به امنیت خود و جهان قلمداد کرد. با این حال، علاوه بر مداخلات قدرت هژمون (آمریکا)، سایر چالش‌های داخلی و خارجی نیز انگیزه روسیه در پیگیری رویکرد هوشمندانه به محیط پیرامون خود را دو چندان کرد. چالش‌های اقتصادی متحول، احیای نفوذ در حوزه خارج نزدیک و گسترش آن به سطح بین‌الملل، نفوذ روز افزون ایدئولوژی اوراسیایی در بین نخبگان روسی، حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از بی‌ثباتی در مرزها، جلوگیری از تحدید نفوذ راهبردی سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه اوراسیا مهم‌ترین عوامل نارضایتی و در نتیجه هوشمندی محیطی روس‌ها در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند (kasparov, 2015).

**واکنش سریع<sup>۱</sup>؛** این ویژگی متأثر از مسئله شدت و استفاده صحیح از زمان قابل تحقق می‌باشد. در دنیای شبکه‌ای، پیچیده و درهم تنیده امروزی یکی از مهم‌ترین کارکردهای دولت‌ها عقب‌نماندن از تحولات جهانی و ابتکارات رقبا می‌باشد. این تحولات و ابتکارات ممکن است در راستا محدودسازی و تضعیف رقیب مقابل به انجام برسد. در نتیجه هر دولت باید برای مواجهه مناسب با آن از عامل زمان استفاده بهینه‌ای نماید. روسیه امروزی در

<sup>۱</sup>. Quick Reaction

چندین صفحه شطرنج مختلف مشغول کنشگری است. در این چارچوب، پاسخ کرملین به غرب در بحران اوکراین و ابتکار مسکو در الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه در کنار حضور در بحران سوریه را می توان نشانه‌ای از عکس العمل سریع این کشور به طرح‌ریزی‌های رقبای غربی تلقی کرد.

**قلمرو وسیع<sup>۱</sup>؛** این ویژگی موجب وجود حوزه نفوذ وسیع برای روسیه شده است. براساس اصل بازگشت به تاریخ<sup>۲</sup>، تمایل کشورهای هم‌چون روسیه برای حضور در معادله قدرت این ضرورت را برای آنها بازتولید کرده است که هرگونه تحرک راهبردی باید براساس واکنش‌های آنی به انجام برسد. با این حال توجه به دو نکته در این مورد اهمیت خواهد داشت. ۱- چنانچه نسبت به هر تحولی در حوزه پیرامونی، واکنش سریع از نوع سخت به انجام برسد، امکان کاهش اعتبار و نفوذ سیاسی یک کشور و در نتیجه کاهش اعتبار قدرت هوشمند آن قابل مشاهده خواهد بود. ۲- اگر در درک اهمیت یک تحول، بازیگرانی همچون روسیه عنصر زمان را از دست بدهند، جبران خسارت‌های احتمالی به راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود (Нартов, 2007: 174). در نتیجه حضور نظامی فوری روسیه در برخی از تحولات منطقه‌ای، اگرچه به قیمت کاهش جذابیت‌های قدرت نرم مسکو تمام شده است، اما براساس اصل گستره سرزمینی وسیع و واکنش سریع، کرملین خود را ملزم به به‌کارگیری رویکرد قدرت و پاسخ هوشمندانه سخت‌افزارانه می‌داند.

**انعطاف‌پذیری عقلانی<sup>۳</sup>؛** روسیه در زمره آن دسته از بازیگران سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود که در شکل‌بندی‌های قدرت نظام جهانی به عنوان نیروی تأثیرگذار و تأثیرپذیر ایفای نقش می‌کند. همکاری روسیه با ناتو در سال ۲۰۱۰ به مفهوم کنش همکاری‌جویانه میان دو متحد راهبردی نبود. چرا که تحولات اوکراین و همچنین سوریه نشان داد، الگوی کنش روسیه در مقابل آمریکا و اتحادیه اروپایی در وضعیت رقابت جهانی و منطقه‌ای قرار دارد. این الگو مبتنی بر انعطاف‌پذیری عقلانی می‌باشد. انعطاف‌پذیری عقلانی در رفتار سیاست خارجی روسیه بر اصل چندجانبه‌گرایی مبتنی بود. ایده چندجانبه‌گرایی نه

1. The Vast Territory

2. Return to History

3. Rational Flexibility

به عنوان منبعی ایدئولوژیک برای سیاست خارجی، بلکه نتیجه درک این مسئله بود که جایگاه روسیه در نظم جدید باید به رسمیت شناخته شود (سرگونین، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۳).

به طور کلی واکنش روسیه به نظام جهانی تابعی از سازوکارهای مربوط به ساختار نظام بین‌الملل و قدرت بازیگرانی است که دارای نقش بنیادین در شکل‌بندی‌های سیاسی و بین‌المللی هستند. پس از وضع تحریم‌ها از سوی غرب نسبت به روسیه، واکنش مسکو به آن مبتنی بر سازوکارهای مربوط به کنش عقلانی برای کنترل تهدیدها بوده است. یعنی، اگرچه کرملین متوجه حجم و شدت تحریم‌های غرب نسبت به وضعیت اقتصادی خود بود، اما با توجه به اهمیت تسلط بر شبه جزیره کریمه به عنوان مهم‌ترین قابلیت دسترسی روسیه به آب‌های دریای سیاه، پاسخ به تحریم‌ها را از طریق رویکرد انعطاف‌پذیری عقلانی پیگیری کرد. در این رویکرد، روسیه بدون شتابزدگی، ابتدا با تدوین اقدامات ضدبحران، پاسخ متقابل تحریم را نسبت به طرفین غربی تنظیم نمود. سپس به سرعت با فعال کردن دیپلماسی اقتصادی خود، مقاصد تجاری جایگزین را تعیین کرد. این رویکرد، شرایط را برای تبدیل فضای تعارض حداکثری به موقعیت تعامل و چانه‌زنی پدید آورد.

**رویکرد ترکیبی در بهره‌برداری از منابع قدرت برای استمرار فرآیند رشد؛ در سال ۲۰۱۴** به دلیل آغاز بحران در شرق اوکراین و الحاق کریمه به روسیه، نوک پیکان به‌کارگیری اقدامات اجبارآمیز اقتصادی واشنگتن متوجه مسکو شد. اگرچه برای چیرایی به راه‌اندازی جدال اقتصادی غرب علیه روسیه دلایل متعددی بر شمرده شده است با این حال فصل مشترک راهبرد چنین تحلیل‌هایی، التزام راهبردی غرب به بازدارندگی بلندمدت روسیه از مشارکت و ایفای نقش در حوزه‌های مختلف سیاست بین‌الملل می‌باشد. بر این اساس، اقدامات اقتصادی اجبارآمیز<sup>۱</sup> و ایجاد بحران در موضوعات خرد منطقه‌ای تنها به‌مثابه ابزار و محرک‌های شتاب‌دهنده، جهت پیگیری مطلوب‌تر اهداف اساسی به‌حساب خواهند آمد. کشورهای جهان غرب هیچ‌گونه تمایلی به ارتقا نقش ساختاری روسیه به‌عنوان قدرت جهانی مؤثر ندارند، اما ترجیح می‌دهند که روسیه موقعیت سیاسی خود را در چارچوب موازنه قدرت حفظ نماید (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۸: ۳۸۸).

با تصویب تحریم‌ها علیه روسیه در سال ۲۰۱۴ و به تبع آن وقوع بحران در حوزه اقتصادی و بعضاً اجتماعی برای این کشور، مسکو به این نتیجه رسید که مؤلفه‌های

<sup>۱</sup>. Coercive Economic Measures

هدف‌گذاری شده در اسناد راهبردی اقتصادی خود را با سرعت هرچه تمام‌تر به پیش ببرد. به عنوان نمونه در ابعاد خارجی، پیوند زدن میان موضوعات منطقه‌ای با موضوعات راهبردی در حوزه بین‌المللی، مهم‌ترین دستورالعمل روسیه تلقی می‌شد. براین اساس، مشارکت روسیه در مدیریت و مهار بحران سوریه از سال ۲۰۱۵ به ویژگی جدانشدنی تقابلات مسکو در برابر غرب تبدیل گردید؛ چرا که در صفحه شطرنج میان دو طرف، بحران اوکراین به‌عنوان تنها موضوع چانه‌زنی و بهره‌برداری راهبردی ایفای نقش نمی‌کرد، بلکه روسیه با ایجاد اتصال راهبردی میان موضوعات فرامنطقه‌ای و خارج از پیرامون خود، شکل نوینی از رویارویی و کنشگری را در برابر غرب به‌نمایش می‌نهاد.

### سنجش اعتبار منابع قدرت هوشمند روسیه

قدرت هوشمند زمینه تحولات وسیعی را در مفاهیم و الگوهای رفتاری بازیگران جهانی را فراهم آورد. از آن جمله، اگر چنانچه پیش‌تر رقابت میان قدرت‌های بزرگ به تسخیر سرزمینی بر دیگران ختم می‌شد، اکنون موارد دیگری برای این دسته از بازیگران مهم بود. مهم‌ترین این تغییرات رفتاری به تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، تسخیر افکار عمومی، گفتمان‌سازی‌های جدید و ارزیابی وضعیت و شرایط برای طرح‌ریزی‌های جدید در آینده مربوط است. به بیانی دیگر، رقابت در دوران کنونی از اشکال تک‌بعدی به رویکردی چندبرداری و با ویژگی‌های متنوع سیاسی و جهانی تبدیل شده است. روسیه نیز از جمله همین بازیگران است که تمرکز صرف بر یک دسته از منابع و اهداف را به متنوع‌سازی اولویت‌ها تغییر داده است. سند مفهوم سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۶ در بند ۸ از فصل دوم اظهار می‌کند در کنار قدرت نظامی، عوامل مهم سیاست بین‌الملل از جمله اقتصادی، حقوقی، فناوری و اطلاعاتی نیز برای نفوذ و تاثیرگذاری بر سایر کشورها مهم هستند (МВД.ru, 2016). با توجه به این دگرگونی‌های مفهومی، لازم است تا ابتدا به موارد نرم‌افزارانه قدرت در سیاست خارجی روسیه پرداخته شود.

**اعتبارسنجی منابع قدرت نرم روسیه در دوران معاصر؛ قدرت نرم برای کشورها همواره از ماهیت اقناعی برخوردار بوده است.** این نکته بدان معناست که روسیه نیز به عنوان کشوری که از سال ۲۰۰۷ به بعد درصدد بهره‌برداری از این منبع در سیاست خارجی پیرامونی خود بوده است باید بر تولید دائمی قدرت هنجاری و نهادی متمرکز می‌شد. در جنبه‌های

فرهنگی، اقدامات روسیه صرفاً برای ترویج فرهنگ روسی به کار رفته است که نشان‌دهنده ماهیت درون‌گرای آن می‌باشد؛ یعنی تکیه رهبران مسکو بر جامعه روس‌زبان و گسترش زبان روسی و یا حفظ آن بوده است. روسیه در اواخر دهه قبل تأکید خاصی بر ایده جهان روسی<sup>۱</sup> داشت. این ایده درصدد بود تا پیوندهای مشترک میان روسیه و مهاجرانی را که سال‌ها قبل آن را ترک کرده بودند، محقق کند. ایده جهان روسی در آغاز به موازات ایده روس‌های هم‌میهن<sup>۲</sup> توسعه می‌یافت<sup>۳</sup>، اما با به قدرت رسیدن پوتین این ایده به طور فزاینده مورد تأکید و ترویج قرار گرفت. اما از آنجا که تعلق به یک مجموعه فرهنگی-زبانی به عنوان عامل اصلی تعلق به جهان روسی در نظر گرفته شده است، نمی‌توان قلمرو وسیعی را برای آن متصور بود. ولی همین ویژگی این امکان را به دولت روسیه خواهد داد تا اهداف سیاست خارجی خود را حفاظت از منافع هموطنان خود در گستره وسیعی از شهروندان سایر کشورها ترسیم کند (Усачёва, 2016).

به غیر از دولت روسیه، کلیسای ارتدوکس مسکو<sup>۴</sup> نیز در سال‌های اخیر از ایده دنیای روسی حمایت به عمل آورده است. در این زمینه برخی از تحلیلگران معتقد هستند به سبب بازگشت دولت روسیه به ارزش‌های سنتی، پیوند میان کلیسای ارتدوکس و دولت این کشور به مثابه ابزاری جهت تثبیت قدرت در داخل و یکپارچه‌سازی<sup>۵</sup> هر چه بیشتر فضای داخل و پیرامون روسیه مورد توجه قرار گرفته است. با تأکید دولت بر ارزش‌ها، نقش کلیسای ارتدوکس در فضای اجتماعی برجسته‌تر شد؛ به طوری که دولت و این کلیسا از مفهوم دنیای روسی به عنوان ابزاری جهت تبلیغ علیه ارزش‌های غیراخلاقی کشورهای جهان غرب استفاده کرده‌اند (Laine & Saarelainen, 2017:7). البته برخی دیگر براساس یک ایده فراگیر در روسیه، تمرکز در حوزه خارج نزدیک را به این دلیل می‌دانند که این منطقه لایه بیرونی کشور را تشکیل می‌دهد و رسالت حمایت و حفاظت از مرکز (یعنی کشور مادر-روسیه-) را برعهده دارد (Makarychev, 2018:3). در ارزیابی از ایده جهان روسی باید این نکته را مدنظر داشت، طرح ایده‌های همچون جهان روسی صرفاً اقناع درونی خواهد داشت تا

<sup>۱</sup>. Русский Мир

<sup>۲</sup>. Российские Соотечественники

<sup>۳</sup>. این ایده به واسطه تصویب قانونی در دومای دولتی روسیه از سال ۱۹۹۹ شکل رسمی به خود گرفت.

<sup>۴</sup>. Русская Православная Церковь

<sup>۵</sup>. Соборность

به کارگیری بیرونی؛ چرا که یکی از مهم‌ترین ابهامات این نوع از ایده‌ها آن است که این ایده توجیهی برای حق نظارت کامل روسیه بر همسایگان خود و گاهی توجیهی برای سیاست تهاجمی آن باشد (سیمبر و رضایپور، ۱۳۹۷: ۸۰-۸۱).

به نظر می‌رسد، روسیه نسبت به محدودیت‌های منابع قدرت نرم زبانی و هویتی خود واقف است به همین دلیل پیگیری همزمان جنبه‌های فرافرهنگی قدرت نرم را نیز در دستور کار قرار داده است. در بند نهم فصل دوم سند سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۶ آمده است، «استفاده از ابزار قدرت نرم و فرصت‌ها و امکانات جوامع مدنی، شیوه‌های اطلاعاتی - ارتباطی، انسانی و دیگر روش‌ها و همچنین بهره‌گیری از فناوری در کنار شیوه‌های مرسوم دیپلماتیک، بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های امروز روابط بین‌الملل هستند» (МЖД.ru, 2016). براساس این تفسیر، می‌توان ابزارهایی همچون اقتصاد، آموزش عالی، ورزش و گردشگری را نیز در زمره منابع قدرت نرم قرار داد. به این معنا که همکاری‌های اقتصادی روسیه در حوزه کشورهای پیرامونی و به ویژه کشورهای منطقه خارج نزدیک، زمینه گسترش قدرت نرم روسیه را تا حدودی به همراه داشته است. به عنوان نمونه روسیه به عنوان مقصد اول مهاجرت و اشتغال کشورهای آسیای مرکزی به شمار می‌رود. بر همین اساس، نمی‌توان جذابیت‌های بازارهای کار روسیه را برای جوانان جویای کار این مناطق نادیده گرفت. ضرورت حضور در این بازار، فراگیری زبان روسی و اصول زندگی روسی است؛ موضوعی، اگرچه دشوار، اما پذیرفتنی. به غیر از گسیل مهاجران کارجو به بازار روسیه، نباید از نقش نخبگان اقتصادی که در فضای علمی، سیاسی و تجاری روسیه آموزش دیده‌اند، غافل شد. بسیاری از این نخبگان به مثابه افرادی خواهند بود که در ساختار تصمیم‌سازی و عملیاتی کشورهای پیرامون روسیه - به طور خاص کشورهای حوزه خارج نزدیک - در نزدیکی مناسبات اقتصادی و تجاری میان مسکو و این کشورها موثر واقع خواهند شد.

آموزش عالی نیز یکی از حوزه‌هایی است که توسط نای به مثابه ابزار قدرت نرم معرفی شده است. از سال ۲۰۱۲ تاکنون روسیه به واسطه افزایش درآمدهای انرژی در یک دهه قبل از آن، توانست فرصت‌های تحصیلی زیادی را در قالب بورس‌های تحصیلی به دانشجویان کشورهای مختلف جهان ارائه دهد. حفظ و تداوم جذابیت دانشگاه‌های روسیه برای کشورهای همسایه و دولت‌هایی که مسکو در حال ایجاد و شکل‌دهی یک سیستم امنیت منطقه‌ای و همگرایی اقتصادی با آنها است برای کرملین اولویت دارد. در سال‌های اخیر، مسکو طرح‌های

فراوانی با هدف ترویج نوآوری، پژوهش، ارتقاء آموزش عالی و امور زیربنایی انجام داده است. براساس این رویکرد، آموزش عالی خواهد توانست به ابزاری برای نفوذ سیاسی و بین‌المللی برای کرملین تبدیل شود (Антонова, 2018: 197).

یکی دیگر از جنبه‌های موجود در منابع نرم‌افزارانه قدرت روسیه، استفاده از فرصت‌های ورزشی و گردشگری برای نشان دادن تصویر مناسب از روسیه به مردمان جهان است. نای معتقد است، می‌توان از طریق ورزش، بخش عمده‌ای از اهداف کشورها تحت عنوان قدرت نرم قابل تحقق خواهد بود. استفاده از ابزار ورزش جهت نشان دادن تصویری مثبت از کشور به دنیا با برگزاری المپیک دانشجویان جهان در تابستان ۲۰۱۳ در کازان روسیه آغاز شد و با چند رویداد دیگر همچون المپیک زمستانی سوچی به برگزاری جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۸ در این کشور ختم شد. در بازی‌های زمستانی المپیک سوچی در زمستان ۲۰۱۴، روسیه با صرف هزینه‌ای بیش از ۵۰ میلیارد دلار و کسب عنوان قهرمانی در بازی‌ها سعی کرد تا چهره جدیدی از خود در عرصه جهانی نشان دهد. همچنین مسئولان گردشگری روسیه از حضور تقریبی یک و نیم میلیون گردشگر به هنگام مسابقات جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۸ خبر داده بودند. بر اساس اطلاعات بانک مرکزی روسیه برگزاری جام جهانی منجر به تقویت اقتصاد این کشور در سه ماهه دوم و سوم سال ۲۰۱۸ شد. طبق اعلام بانک مرکزی روسیه با در نظر گرفتن تحولات اقتصادی سه ماهه دوم و سوم سال ۲۰۱۸، تأثیر مثبت کوتاه‌مدت این مساله روی اقتصاد روسیه، رشد اشتغال و افزایش تقاضای تولیدات مصرفی و خدمات بود. برخی از آمارها از تأثیر ۰/۲ درصدی این رویداد بر افزایش تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۱۸ حکایت داشتند (Reuters, 12 Feb 2018). البته ناگفته نماند، افزایش ورود گردشگران به روسیه در راستا کاهش الزامات روادیدی با بسیاری از کشورها، ضمن آنکه در راستا ارائه تصویر مناسب از روسیه موثر واقع شده بود، همچنین توانست در ارتقا بسیاری از شاخص‌های اقتصادی این کشور نیز اثرگذار باشد. روسیه در نظر داشت تا با گسترش صنعت گردشگری، کاستی‌هایی را که در دوره کاهش قیمت منابع انرژی و مواجه با تحریم‌های غرب تجربه کرده بود به فراموشی بسپارد.

برای ارزیابی کیفیت بهره‌برداری روسیه از منابع نرم‌افزارانه قدرت خود در راستا اهداف سیاسی باید اذعان کرد، تلاش مسکو به این شکل قابل تبیین و تفسیر است. در بخش نخست که مربوط به ابعاد فرهنگی، هویتی و زبانی قدرت نرم روسیه می‌شود، مسکو با تاکید



بر ملی‌گرایی اثربخش، خواهد توانست قدرت نرم خود را بر بازیگرانی که به لحاظ فرهنگی در داخل مجموعه فرهنگ و زبان روسی دسته‌بندی می‌شوند، تقویت کند. اما باید اشاره کرد، جمعیت روس‌زبانانی که در پیرامون روسیه هستند، ممکن است در مقایسه با سایر اقوام ساکن این مناطق در سال‌های آتی کاهش یابد؛ چرا که بخش عمده آنها برای جستجوی زندگی بهتر یا راهی روسیه خواهند شد و یا به کشور توسعه‌یافته‌تری کوچ خواهند کرد. این مسئله بیان‌گر آن است که روسیه برای ارتقا منابع قدرت نرم خود که مربوط به این افراد می‌شود، دچار چالش خواهد بود چرا که احتمالاً با تغییر مخاطبان قدرت نرم، منابع آن نیز دچار تحول بنیادین گردد. براین اساس، ملاحظه می‌شود، برجسته شدن نقش کلیسای ارتدوکس در میان مناطق اروپای شرقی و همچنین رشد رسانه‌های عرضه محصولات فرهنگی همچون فیلم‌های سینمایی، موسیقی و تئاتر برای پُرکردن این خلاء تعبیه شده است.

اما نکته دوم مربوط به کامیابی‌های هوشمندانه روسیه از سایر منابع قدرت نرم خود که شامل حوزه اقتصاد، آموزش عالی، ورزش و گردشگری است. در این زمینه مسکو توانسته است، بخش مهمی از هدف‌گذاری‌های نرم‌افزارانه خود را با استفاده از ظرفیت این قبیل منابع تا حدود زیادی مرتفع کند. بخش اصلی استفاده روسیه از منابع قدرت نرم در چارچوب این ایده شکل می‌گیرد که مسکو در تحت نشر رویکرد مدیریت چندجانبه مسایل بین‌المللی، موفق می‌شود تا سایر بازیگران مخالف ساختار کنونی نظام بین‌الملل را به گونه‌ای کاملاً نرم‌افزارانه با خود همراه نماید. به احتمال زیاد روسیه همچون سایر بازیگران تجدیدنظرطلب<sup>۱</sup> خواهد توانست حتی این ایده را به بازیگران خنثی نیز که هیچ‌گونه ایده اصلاح‌گرایانه‌ای نسبت به ساختار کنونی نظام بین‌الملل در سر ندارند، سرایت دهد.

**اعتبارسنجی منابع قدرت سخت روسیه در دوران معاصر؛ قدرت سخت را این‌طور تبیین کرده‌اند، «توانایی تغییر رفتار دیگران از طریق اجبار و تهدید به صورتی که مطلوب ما باشد» (نای، ۱۳۹۳: ۴۰).** با این حال منبع قدرت سخت آنجایی است که هیچ‌گونه اجبار فیزیکی و یا تهدید آشکار صورت نمی‌پذیرد، بلکه پیامدهای انتخاب هریک از گزینه‌های موجود برای طرف مقابل تشریح می‌شود. سپس چنین وانمود می‌گردد این پیامدها نتیجه انتخاب و تصمیم خود اوست، نه اینکه واکنش خصمانه به اقدامات وی باشد. در اینجا نوعی ترس ایجاد

<sup>۱</sup>. Revisionist Actors

می‌شود که مستقیماً منشأ آن طرف اعمال‌کننده قدرت نیست. این قدرت نیاز به میزانی از اعتماد متقابل دارد؛ بنابراین بسیار متکی به کنش‌های گذشته دو طرف می‌باشد (مطهرنیا، ۱۳۹۳: ۸). این مقدمه کوتاه کمک می‌کند تا متوجه این نکته باشیم که در مورد منابع قدرت سخت روسیه نیز باید به ظرفیت‌های مادی و همچنین مهارت‌های سیاسی و نهادی آن رجوع کرد. ممکن است، مهارت سیاسی را صرفاً در مواردی همچون ارعاب، دست‌کاری، تحریف و مذاکره جستجو کنیم. این موارد امکان تعامل با بازیگرانی حتی خارج از دایره اعضای هوادار مسکو را نیز فراهم می‌کنند. تسلیحات نظامی، اقتصادی، کنش‌های دیپلماتیک بخشی از ابزارهای قدرت سخت روسیه به شمار می‌روند (Смородина, 2017: 52-53). البته می‌توان به مواردی هم اشاره کرد که قابلیت تبدیل به منابع قدرت سخت را دارا هستند. به عنوان نمونه می‌توان به توانایی تأثیرگذاری بر ائتلاف‌های بین‌المللی، سرمایه اجتماعی، برتری فرهنگی، کارآمدی مدیریتی اشاره کرد. براین اساس، بخشی از ظرفیت‌سازی مسکو طی چند سال گذشته (از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹) مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

**صنایع دفاعی و تسلیحاتی روسیه؛** این صنایع به‌عنوان ابزارهای توانمندسازی این کشور در فضای رقابتی اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند. در این صنایع حدوداً ۳ میلیون نفر که ۲۰ درصد جمعیت شاغل روسیه هستند در حال فعالیت می‌باشند. در سال‌های اخیر این جمعیت زیاد باعث رونق صنایع تسلیحاتی روسیه شده‌اند به طوری که مسکو پس از واشنگتن در جایگاه دومین صادرکننده عمده سلاح‌های متعارف دنیا قرار داشته است. بر اساس آمارهای به‌دست آمده، روسیه در بین سال‌های ۲۰۱۲ - ۲۰۱۶ به‌طور تقریبی ۲۵ درصد بازار تسلیحات دنیا را از آن خود کرده است (The Statistics Portal, 2017). به جزء سلاح‌های کوچک، سایر تسلیحات و ادوات نظامی نیز در زمره صادرات روسیه به دیگر نقاط دنیا محسوب می‌شود؛ از آن جمله می‌توان به صادرات انواع جنگنده‌های سوخو و میگ، سامانه‌های دفاع هوایی (ضدموشکی)، بالگردها، تانک‌ها، ادوات زرهی و وسایل نقلیه جنگی اشاره کرد. وزیر دفاع روسیه، سرگی شایگو<sup>۱</sup> فروش سالانه تجهیزات نظامی مسکو را در حدود ۱۳ تا ۱۵ میلیارد دلار به بیش از ۶۰ کشور دنیا اعلام کرده است (Рособоронэкспорт, 2017).

<sup>۱</sup>. Сергей Шойгу

صنایع هسته‌ای روسیه؛ بسیاری از گزارشات مراکز مطالعاتی بر این اعتقاد هستند که شرکت دولتی «روس‌اتم»<sup>۱</sup> روسیه، فعال‌ترین بازیگر در بازار جهانی فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود و با ۲۰ کشور منطقه غرب آسیا، آمریکای لاتین، آفریقا قراردادهای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای، تحویل سوخت و مساعدت‌های آموزشی را به امضاء رسانده است و بر اساس آمارها ۴۱ درصد از بازار جهانی مهندسی هسته‌ای در اختیار شرکت روس‌اتم روسیه قرار داشته است. پس از این شرکت به ترتیب شرکت وستینگ‌هاوس<sup>۲</sup> آمریکا (۲۳ درصد)، شرکت ک‌ا.چ.ان.پی<sup>۳</sup> کره جنوبی (۱۶ درصد)، شرکت آروا<sup>۴</sup> فرانسه (۷ درصد) و چهار شرکت ژاپنی میتسوبیشی<sup>۵</sup>، GE-H، هیتاچی<sup>۶</sup> و توشیبا<sup>۷</sup> هرکدام (۳، ۳، ۳ و ۱/۵ درصد) رتبه‌های بعدی این بازار حضور دارند (Atomproekt, 2014: 18).

روسیه با اجرای قراردادهای خود با سایر کشورها تلاش دارد تا تلویحا خود را به‌عنوان رهبر توسعه برنامه «اتم برای صلح»<sup>۸</sup> تبدیل کند. این الگوی دیپلماسی که با ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای پیوند خورده است، می‌تواند به نوعی متضمن ارتقا منافع ژئوپلیتیک روسیه بدون هرگونه مداخله نظامی باشد. در نتیجه، اجرای چنین طرح‌های راهبردی، کرمیلین درصدد است تا هرچه بیشتر در روندهای توسعه‌ای جهانی درگیر شود (Atomproekt, 2014: 18).

**انتقال انرژی (خطوط لوله)؛ نفت و گاز کالایی بااهمیت در تجارت جهانی هستند به طوری که با اطمینان می‌توان گفت، رشد سریع اقتصادی به تحولات این دو محصول بستگی دارد. همچنین نوسانات قیمت این کالاهای راهبردی در کوتاه‌مدت یا بلندمدت اقتصاد جهانی را با چالش مواجه می‌سازد. قدرت‌های بزرگی همچون روسیه بر این امر واقف هستند برای تحکیم قدرت خود باید بتوانند در اقتصاد جهانی نقش مهمی بازی کنند و انرژی یک رکن بسیار مهم برای حضور آنها در این صحنه است. روسیه، الگوی اقتصادی خود را براساس**

---

1. ROSATOM  
2. Westinghouse  
3. KHNP  
4. AREVA  
5. Mitsubishi  
6. Hitachi  
7. Toshiba  
8. Atom for Peace

صادرات محصولات انرژی تنظیم کرده است. کنترل و توسعه بخش انرژی (اعم از کشف، استخراج، تولید و صادرات کالا و خدمات در حوزه انرژی) بیشترین سهم را در الگوی اقتصادی روسیه از آن خود کرده است و این کشور را در ردیف دارندگان الگوی اقتصادی انرژی محور قرار داده است (رسولی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۱۵).

از سال ۲۰۱۴ به بعد و پس از تحریم‌های شدید غرب علیه شرکت‌های مهم انرژی روسی همچون گازپروم، روس‌نفت<sup>۱</sup>، ترانس‌نفت<sup>۲</sup>، نوواتک<sup>۳</sup> و افراد و موسسات مالی مرتبط با این شرکت‌ها، مهم‌ترین ابزار حضور روسیه در اقتصاد کشورهای اتحادیه اروپایی، دچار لغزش شد. این احتمال داده می‌شد که روسیه هرگز نخواهد توانست از این ابزارها همچون گذشته در تعاملات خود با کشورهای اروپایی بهره جوید. با این حال روسیه پس از تجربه تلخ تحریم‌های غرب، سه موفقیت مهم را تجربه کرد. انعقاد پیمان خط لوله «قدرت سیبری»<sup>۴</sup> با چین و عملیاتی کردن آن در دسامبر ۲۰۱۹ در کنار استمرار طرح جریان شمالی<sup>۵</sup> و ترک‌استریم<sup>۶</sup> از جمله مهم‌ترین دستاوردهای انرژی روسیه تا سال ۲۰۱۹ به شمار می‌روند. در این بین، روسیه ذخایر عظیم و بهره برداری نشده گاز در شرق دور دارد. «قدرت سیبری» موضع روسیه در مذاکرات مربوط به قراردادهای گازی با کشورهای اروپایی را تحکیم می‌کند چراکه، اگر روسیه بتواند تولید خود را به جای اروپا به شرق صادر کند، غرب ممکن است مجبور شود برای تضمین تامین گاز، پول بیشتری پرداخت کند (Tanas et al, 2019).

در ارزیابی نهایی از منابع قدرت سخت روسیه باید گفت، رویکرد مسکو در بهره‌برداری شبکه‌ای از منابع و توانمندی‌های صنعتی، طبیعی و نظامی به گونه‌ای طراحی شده است که ضمن تأمین مطلوبیت‌های کوتاه‌مدت، کنشگری طولانی مدت آن را نیز در زمینه‌های راهبردی همچون حوزه صنایع دفاعی، هسته‌ای و انرژی تضمین می‌نماید. به نظر می‌رسد، تجربه روسیه از سال‌های ۲۰۰۸ (جنگ گرجستان) و ۲۰۱۴ (بحران اوکراین) به این کشور آموخته است که پرهزینه‌ترین شکل اعمال قدرت سخت از طریق اجبار به وسیله درگیری‌های نظامی است (Markozashvili & Dvalishvili, 2017: 182). آسیب اصلی این نوع استفاده از

<sup>۱</sup>. Роснефть

<sup>۲</sup>. Транснефть

<sup>۳</sup>. Новатэк

<sup>۴</sup>. Сила Сибири (Power of Siberia)

<sup>۵</sup>. Северный Поток — 2 (Nord Stream 2)

<sup>۶</sup>. Турецкий Поток (Turkstream)

قدرت سخت در قالب شکل‌گیری حس تنفر خود را به نمایش می‌گذارد. تنفر ایجاد شده در اثر استفاده از قدرت سخت می‌تواند، منجر به برانگیختن مقاومت و تضعیف توان اثرگذاری شود. در نتیجه این الزامات مسکو تلاش کرده است تا با فعال‌نگاه‌داشتن ظرفیت اقتصادی خود به عنوان یک اهرم برنده قدرت سخت، بازیگرانی بسیاری را نسبت به جذابیت‌های نهفته در اقتصاد و تجارت با خود آماده نگاه دارد. به طوری که به‌رغم وجود تحریم‌های آمریکا و فشارهای فراوان واشنگتن جهت قطع این نوع از مراودات، همچنان شاهد تمایل و پافشاری بازیگران مهم اقتصادی اروپا و آسیا در استمرار تعاملات انرژی با روسیه هستیم.

### قدرت هوشمند در موضوعات سیاست خارجی روسیه

هنگامی که تمام مولفه‌ها در یک شیوه مدیریت منابع قدرت به طور همزمان حضور داشته باشند، می‌توان این شیوه را شیوه مدیریت هوشمندانه دانست، اگر چنانچه به مجموع اقدامات روسیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ نگاهی بیندازیم، ارزیابی مفهوم مدیریت هوشمندانه در موضوعات سیاست خارجی این کشور راحت‌تر قابل تبیین خواهد بود.

**قدرت هوشمند و رشد اقتصادی روسیه در دوران تحریم‌های غرب؛** اگرچه به راه‌اندازی جدال اقتصادی غرب علیه روسیه دلایل متعددی داشته است، اما فصل مشترک چنین تحلیل‌هایی التزام راهبردی غرب به بازدارندگی بلندمدت روسیه از مشارکت و ایفای نقش در حوزه‌های مختلف سیاست بین‌الملل می‌باشد. با آغاز تحریم‌های غرب علیه اقتصاد روسیه در سال ۲۰۱۴، مسکو برای کاهش آثار زیانبار تحریم‌ها بر فضای اجتماعی و اقتصادی خود اقدامات چندوجهی را در دستور کار قرار داد. در ابعاد داخلی، اقدامات روسیه از سرعت و شتاب قابل توجهی برخوردار بود. مقامات مسکو ضمن درک صحیح از پیامدهای تحریم‌ها به این نتیجه نایل شدند که هرگونه تعلل در برابر امواج تحریم‌ها به منزله منفعل‌شدن در گام‌های بعدی محسوب خواهد شد. در نتیجه از مسیرهای متعددی شروع به متنوع‌سازی روندهای اقتصادی هم در حوزه صادرات و هم در حوزه واردات کردند. شکل دیگر اقدام روسیه در ابعاد خارجی، پیوند زدن میان موضوعات منطقه‌ای با موضوعات راهبردی در حوزه بین‌المللی بود. براین اساس، مشارکت روسیه در مدیریت و مهار بحران سوریه از سال ۲۰۱۵ به ویژگی جدانشدنی تقابلات مسکو در برابر غرب تبدیل گردید؛ چرا که در صفحه شطرنج میان دو طرف، اکنون تنها بحران اوکراین به‌عنوان موضوع چانه‌زنی و بهره‌برداری راهبردی

ایفای نقش نمی‌کرد، بلکه روسیه با ایجاد اتصال راهبردی میان موضوعات فرامنطقه‌ای و خارج از پیرامون خود، شکل نوینی از رویارویی و کنش‌گری را در برابر غرب به‌نمایش می‌نهاد.

تنوع‌بخشی در حوزه شرکای صادراتی و وارداتی و جایگزینی کشورهای هم‌چون چین برای آینده بلندمدت تجارت انرژی تنها یک نمونه از این دست اقدامات به شمار می‌رود. مجموعه اقدامات روسیه در برابر بحران ناشی از شوک تحریم‌ها تا بدانجا به پیش رفت که برخلاف پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته و براساس گزارش بانک جهانی، مسکو توانست روند منفی و نزولی بسیاری از شاخص‌های اقتصادی را در سال ۲۰۱۹ به شکل صعودی تغییر دهد. به عنوان نمونه رشد اقتصادی روسیه در سال ۲۰۱۹ در حدود ۱,۲ بود که این رقم برای سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ با یک حرکت صعودی در حدود ۱,۶ و ۱,۸ تخمین زده شده است (World Bank, 2019:8).

**نمایش قدرت هوشمند روسیه در بحران اوکراین و مسئله کریمه؛ در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴**  
با تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها داخلی ویکتور یانوکویچ<sup>۱</sup>، رئیس‌جمهور اوکراین با فشار جریان‌های غرب‌گرا از قدرت برکنار شد. در ادامه مردم شبه‌جزیره کریمه با برگزاری یک همه‌پرسی موافقت خود را مبنی بر الحاق شدن به روسیه اعلام کردند. برخی این اقدام را بر پایه این استدلال می‌دانند که اگر کی‌یف به اتحادیه اروپایی بپیوندد، سایر کشورهای حوزه شوروی سابق نیز خواستار الحاق به بروکسل خواهند بود. در نتیجه با از بین رفتن نقش حائل اوکراین، ناتو و روسیه با یکدیگر هم‌مرز خواهند شد (Смородина, 2017:47-48). همچنین طرح روسیه برای تشکیل بلوکی به رهبری مسکو در حوزه خارج نزدیک که ظرفیت چانه‌زنی در مورد تحولات آتی نظم جهانی را داشته باشد، محدود می‌شود. از این رو، درک ژئوپلیتیک از مقدمات، محذورات داخلی - خارجی و واقعیت‌های بین‌المللی در بسیاری از موارد برای روس‌ها به عنوان اصل بنیادین در سیاست خارجی برای افزایش قدرت چانه‌زنی مطرح بوده است (Галстян, 2015:43-44). اقدامات مسکو در خصوص تسهیل تنش در نواحی شرقی اوکراین - که روس تبارها در آنجا متمرکز می‌باشند - را باید براساس واقع‌گرایی محض روسی با توجه به درک شرایط منطقه‌ای و جهانی تفسیر کرد (Рустамова, 2014:54). روسیه از یک سو، امنیت خود را در چارچوب یک نظم جغرافیایی تعریف می‌کند و از سوی دیگر، فرصت

<sup>۱</sup>. Viktor Yanukovich

چانه‌زنی برای حضور و یا بسط نفوذ فرامرزی را به طور وسیعی در چارچوب نظم جغرافیایی امکان‌پذیر می‌داند.

اگرچه واشنگتن، مداخله روسیه را عامل اصلی آغاز و تشدید بحران در اوکراین می‌داند، اما جان میرشایمر این ادعا را اشتباه می‌داند؛ چرا که بر این باور بود، آمریکا و متحدان اروپایی آن نیز در به وجود آمدن این بحران نقش داشته‌اند. راهبرد غرب در رسیدن به مرزهای روسیه و پیوند دادن کشورهای شوروی سابق به ناتو، باعث حضور و نفوذ در حیطه خلوت سنتی روسیه شده بنابراین طبیعی است که روسیه در مقابل این تهدید راهبردی به مقاومت و عرض اندام بپردازد (Mearsheimer, 2014:1). رهبران روسیه معتقد هستند، می‌توانند موقعیت چانه‌زنی خود را برای کسب سهم بیشتر در آینده نظم جهانی از طریق روش‌های کمتر نظامی و تهاجمی بهبود ببخشند. این رویکرد بخشی از توانمندی قدرت هوشمند روسیه محسوب می‌شود. بنابراین نوع کنش فدراسیون روسیه در قبال بحران اوکراین را نیز باید از این منظر مورد توجه قرار داد. تلاش پیوسته مسکو برای مقابله با تمایلات هژمونیک و یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا از اصلی‌ترین ابعاد رویکرد ژئوپلیتیک این کشور در قبال تحولات اوکراین بوده است. در واقع، فدراسیون روسیه با نگاه کلان راهبردی به دنبال مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تلاش برای ایجاد یک جهان چندقطبی در قبال مسایل بین‌المللی و منطقه‌ای نظیر بحران اوکراین می‌باشد. این مسئله به روشنی در رویکردها و جهت‌گیری‌های راهبردی فدراسیون روسیه در سال‌های اخیر در مسائل مختلف فرمانطقه‌ای نظیر بحران اوکراین و سوریه مشهود بوده است. واکنش سریع روسیه به مداخله غرب در تحولات اوکراین از طریق حضور نظامی در شبه‌جزیره کریمه و براساس حمایت از روس‌تباران ساکن این منطقه صورت پذیرفت.

**قدرت هوشمند روسیه و راهبرد مبتنی بر شکاف، ایجاد شکاف در میان جبهه رقبا از جمله راهبردهایی است که همواره در دستور کار قدرت‌های بزرگ قرار داشته است.** به عنوان مثال، یکی از آخرین نمونه‌هایی که روسیه آن را در چارچوب قدرت هوشمندانه خود در پیش گرفته است به افزایش تعاملات این کشور و ترکیه مربوط می‌شود. گسترش در هم‌تنیدگی اقتصادی و تعاملات مسکو و آنکارا تا بدانجا بوده است که برخی از این مسئله تحت عنوان نفوذ روسیه برای فلج کردن استراتژیک<sup>۱</sup> غرب یاد کرده‌اند. غرب می‌داند با از دست دادن

<sup>۱</sup>. Strategic Paralysis

ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو، موقعیت ایده‌آلی در اختیار روسیه در منطقه غرب آسیا قرار خواهد گرفت (Chisholm, 2017: 39). در واقع، شکاف در جبهه ناتو، براساس یک جذابیت دوسویه میان ترکیه و روسیه در حال انجام است و پذیرش این مسئله برای بسیاری از تحلیلگران دشوار بود که بعد از سرنگونی جنگنده روسی توسط ترکیه در ناحیه شمالی سوریه در سال ۲۰۱۵ و وضع تحریم‌های گسترده از سوی کرملین بر ضد ترکیه، باردیگر روابط این دو کشور به شرایط احیا بازگردد. همچنین نیاز روسیه برای رهایی از زیرساخت‌های انرژی اوکراین جهت انتقال گاز به اروپا و ساخت خط لوله ترک استریم، تنها یکی از چند دلیل مسکو برای احیا مجدد روابط دو کشور مطرح است. در این ارتباط فروش سامانه‌های اس ۴۰۰ و هواپیماهای پیشرفته سوخو ۳۵ و ۵۷ به آنکارا و انعقاد قراردادهای مهم در ارتباط با ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای توسط روسیه در ترکیه نیز فقط بخش اندکی از اهمیت روابط گسترده دو کشور را به نمایش می‌گذارد (Рия Новости, 2019) چرا که روابط دو کشور از چند سال قبل در حوزه‌های مختلف اقتصادی روند روبه رشدی را تجربه می‌کرد. البته اهمیت تعاملات جدید دو کشور، بیشتر برگرفته از دوری تدریجی آنکارا از غرب و در پیش گرفتن رویکردی مستقل برای خود می‌باشد. مسکو نیز با توجه به این تحولات توانسته است، ظرفیت‌های قدرت نرم و سخت برای تحقق اهداف قدرت هوشمند خود را فراهم آورد (Matveev, 2019).

### نتیجه‌گیری

برخورداری از منابع قدرت به خودی خود نمی‌تواند منشأ تحول و ارتقا جایگاه کشورها شود، بلکه نحوه کاربست و اجرایی ساختن آن می‌تواند در یک فرایند متناسب، زمینه تحقق اهداف ملی و فراملی دولت‌ها را فراهم آورد. براین اساس، هنگامی که سرمایه‌های قدرت به خود قدرت تبدیل می‌شوند، امکان ایجاد تحولات مطلوب در موضوعات سیاست خارجی کشورها دور از دسترس نیست. قدرت نرم و سخت هنگامی به یک ابزار قدرت هوشمند تبدیل خواهند شد که بتوانند از طریق جذابیت، مشروعیت، نمایش توانمندی‌ها، واکنش سریع و حتی تهدید و ارعاب، کنش مطلوب را از سوی سایر بازیگران به ارمغان آورد. در این تفسیر، هریک از منابع قدرت دو شکل نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه خواهند داشت. با این حال



در قدرت هوشمند نباید از نقش ابزار سخت‌افزارانه سنتی یعنی نیروهای نظامی و صنایع تسلیحاتی به سادگی عبور کرد.

روسیه پیرو همان سنت دوران اتحاد جماهیر شوروی به مدت طولانی بر ظرفیت‌های نظامی خود به منظور افزایش نفوذ در سطوح بین‌المللی تکیه کرده است. مسکو بر این نقیصه دوران شوروی واقف است که ضعف اقتصادی منجر به کاهش جذابیت نظامی خواهد گردید. در نتیجه به دنبال رویکردها و راهبردهای جدیدی برای استمرار حضور و نفوذ قدم برداشته است. هنگامی که بحث مربوط به رابطه روسیه و کشورهای توسعه‌یافته باشد، رویکرد قدرت هوشمند روسیه با ابزارهای غیرمرتبط با حوزه نظامی به انجام می‌رسد. براین اساس، سیاست خارجی جدیدی که در دوران ولادیمیر پوتین در ارتباط با قدرت‌های برتر اقتصادی جهان شکل گرفت، مبتنی بر بهره‌برداری از منابع اقتصادی روسیه به منظور شهرت و قدرت بین‌المللی بوده است. اما این مسئله به معنای نادیده‌انگاشتن نقش منابع سخت‌افزارانه‌تر همچون صنایع نظامی نیست. در واقع، روسیه با برگزاری مانورهای متعدد در جغرافیای وسیع و متنوع خود و همچنین حضور در بحران‌های منطقه‌ای همچون بحران سوریه، نیاز خود برای به نمایش گذاشتن مهارت‌های نظامی و جذب مشتریان بالقوه مایل به خرید جنگ‌افزارهای روسی را مرتفع می‌سازد.

در بهره‌برداری از منابع قدرت نرم فرهنگی و هویتی، دستاوردهای روسیه دارای دو بعد مثبت و منفی بوده است. با توجه به آنکه بخش مهمی از منابع قدرت نرم فرهنگی روسیه در حوزه پیرامونی و مبتنی بر عوامل زبانی (ترویج و تکیه بر زبان روسی)، ارتقا جایگاه کلیسای ارتدوکس مسکو در نواحی شرق اروپا و موضوعات مرتبط با محصولات فرهنگی همچون فیلم‌های سینمایی، تئاتر و موسیقی بوده است، اما کیفیت اثرگذاری این منابع بر دستاوردهای سیاست خارجی روسیه را باید با رخدادهای موجود در یک دهه اخیر مورد مطالعه قرار داد. بررسی این رخدادهای نشان داده است، وقایع سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ تا حدود زیادی موجب کاهش نقش منابع نرم‌افزارانه قدرت روسیه در این مناطق گردیده است. البته، اگر تأثیر برخی از منابع قدرت نرم روسیه همچون آموزش عالی (نقش پذیرش دانشجوی بین‌المللی)، برگزاری رخدادهای ورزشی و افزایش نرخ گردشگری بر سیاست خارجی روسیه را مورد سنجش قرار دهیم این نتیجه حاصل خواهد شد که روسیه موفق شده است با به‌کارگیری رویکردهای جذاب، بخش مهمی از هدف‌گذاری‌های سیاست خارجی خود را

محقق سازد. با ترکیب مجموع عناصر قدرت نرم و سخت طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ که مقارن با تحریم‌های شدید آمریکا علیه روسیه و همچنین تحولات بسیار پرنوسان در نظام بین‌الملل بود، مسکو تا حدود زیادی به اولویت‌های مندرج در سند سیاست خارجی خود در سال ۲۰۱۶ با رویکرد قدرت هوشمندانه رسیده است.

## منابع و ماخذ

- رسولی‌نژاد، احسان (۱۳۹۴)، «نظام اقتصادی روسیه»، در کتاب روسیه شناسی، علیرضا نوری، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- سرگونین، الکساندر (۱۳۹۷)، تشریح رفتار سیاست خارجی روسیه: نظریه و عمل، ترجمه مهدی هدایتی شهیدانی و سعید خاوری‌نژاد، رشت، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان.
- سیمبر، رضا و رضاپور، دانیال (۱۳۹۷)، «قدرت نرم روسیه در خارج نزدیک: ابزارها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۹۷، شماره ۱۰۴.
- لارتنی، محمدرضا (۱۳۹۷)، درک تهدید و تأثیرات آن بر محیط‌شناسی از نگاه مراکز تصمیم‌سازی و مطالعاتی روسیه (۲۰۰۰-۲۰۱۷)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۹)، «قدرت در پژواک انواع (سخت، نرم، هوشمند، غوی؛ هنرمندانه؛ هوشمندانه)»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۹.
- نای، جوزف (۱۳۹۳)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، نشر نی، تهران.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۴) روسیه‌شناسی، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۸)، روسیه و تحریم‌های غرب، انتشارات دولتمرد، رشت.
- Armitage, Richard L. and Nye, Joseph S. (2007), *A Smarter, more Secure America*, CSIS Commission on Smart Power, Center for Strategic and International Studies (CSIS), Available at: <https://carnegieendowment.org/files/csissmartpowerreport.pdf>, Accessed on: 22/07/2019.
- Atomproekt. (2014) "2014 Annual Report", Available at: <http://atomproekt.com/resources/fd368f80449202049515ff6653816f61/report2014.pdf>, Accessed on: 13/08/2019.
- Balmasov, Sergey. (2017), "Russia's Nuclear Power Politics in the Middle East", *Intersectionproject*, 21.09.2017, Available at: <http://intersectionproject.eu/article/russia-world/russias-nuclear-power-politics-middle-east>, Accessed on: 07/06/2019.
- Chisholm, Andrew (2017), *Disrupt, Coerce, Legitimize, Attract: The Four Dimensions of Russian Smart Power*, National Defense University, Joint Forces Staff College.
- Kasparov, Garry (2015), *Winter Is Coming: Why Vladimir Putin and the Enemies of the Free World Must Be Stopped*, New York: Public Affair.

- Laine, Veera Sofia, Saarelainen, Iris (2017), *Spirituality as a Political Instrument: The Church, the Kremlin, and the Creation of the "Russian World"*, UPI Working Papers, Issue. 98.
- Lambert, Michael Eric (2017), "Russian Smart Power at work in the Eastern Partnership", *Institute of International Relations Prague*, Available at: [https://think.visegradfund.org/wp-content/uploads/Lambert\\_ThinkVisegrad.pdf](https://think.visegradfund.org/wp-content/uploads/Lambert_ThinkVisegrad.pdf), Accessed on: 14/08/2019.
- Makarychev, Andrey (2018), "Beyond Geopolitics: Russian Soft Power, Conservatism, and Biopolitics", *Russian Journal, Leiden*, Published Online: 14 May 2018.
- Markozashvili, Lasha, Dvalishvili, Tinatini (2017), "Russian Smart Power in Georgia", *Przegląd Politologiczny*, No. 4, Pp. 173-188.
- Mearsheimer, John J. (2014), "Why the Ukraine Crisis Is the West's Fault: The Liberal Delusions That Provoked Putin", *Foreign Affairs*, No. 93. September/October 2014 Issue, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/russia-fsu/2014-08-18/why-ukraine-crisis-west-s-fault>, Accessed on: 02.10.2018
- Nassel, Suzanne (2004), "Smart Power", *Foreign Affairs*, March-April 2004, Vol. 83, №. 2.
- Nye Joseph. S. (2004), *Soft Power. The Means to Success in World Politics*. New York, Public Affairs, 192 p.
- Nye, Joseph S. (2018), "How Sharp Power Threatens Soft Power; He Right and Wrong Ways to Respond to Authoritarian Influence", *Foreign Affairs*, January 24, 2018, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2018-01-24/how-sharp-power-threatens-soft-power>, Accessed on: 07/09/2019
- Reuters (2018), "Russia World Cup to Lift Economy, Drive Inflation: Central Bank", 12 Feb 2018, Available at: <https://www.reuters.com>, Accessed on: 14/02/2018.
- Tanas, Olga. Shiryayevskaya, Anna. and Murtaugh, Dan. (2019), "How Russia-China Gas Pipeline Changes Energy Calculus", *Bloomberg*, Available at: <https://www.bloomberg.com/>, Accessed on: 01/12/2019.
- The Statistics Portal (2017), "Market share of the Leading Exporters of Major Weapons between 2012 and 2016", by Country, Available at: <https://www.statista.com/statistics/267131/market-share-of-the-leading-exporters-of-conventional-weapons>, Accessed on: 12/05/2019.

- Walker, Christopher and Ludwig, Jessica (2017), "The Meaning of Sharp Power; How Authoritarian States Project Influence", *Foreign Affairs*, November 16, 2017, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2017-11-16/meaning-sharp-power>, Accessed on: 05/05/2019.
- World Bank (2019), "Russia Economic Report", Available at: <http://pubdocs.worldbank.org/en/617741575429785951/rer-42-eng.pdf>, Accessed on: 05/12/2019.
- Антонова, Екатерина Андреевна (2018), "Образование как 'Мягкая Сила' в Современных Зарубежных и Российских Политологических Исследованиях", *Вестник ВолГУ, История. Регионоведение. Международные Отношения*. 2018. Т. 23. №. 4.
- Галстян Х. С. (2015), "«Smart Power» в Российской Внешней Политике: Время «Благоразумной Силы»", *Сборник Статей по Материалам Международной Научнопрактической Конференции. НИУ «БелГУ»*, 23 октября 2015 года / отв. ред. В.М. Захаров. - Белгород: ИД «Белгород» НИУ «БелГУ», с: 43-46.
- Леонова О. (2019), "Sharp Power – Новая Технология Влияния в Глобальном Мире", *Мировая Экономика и Международные Отношения*, Том 63, № 2, с: 21-28.
- Матвеев, Сергей (2019), "Азиатские СМИ Рассказали, как Путин Будет Лоббировать Продажу С-400 Саудовской Аравии", *ПолитРоссия*, Доступен на: <https://politros.com/>, Дата Обращения: 02/11/2019.
- МИД.ru (2016), Концепция Внешней Политики Российской Федерации ((Утверждена Президентом Российской Федерации, В.В.Путиным 30 ноября 2016 г.)).
- Нартов, Н.А. (2007), *Геополитика*, Москва, Издательство Политической Литературы (Единство).
- Рия Новости (2019), В Турции Изучают Предложение России по Су-35, Рия Новости, Доступен на: <https://ria.ru/20191202/1561856834.html>, Дата Обращения: 02/12/2019.
- Рособоронэкспорт (2017), "География Экспорта Российского Вооружения", Доступен на: <http://roe.ru>, Дата Обращения: 01/12/2018.
- Русакова, О.Ф. (2015), *Soft Power: Теория, Ресурсы, Дискурс*, Екатеринбург, Издательский Дом «Дискурс-Пи».
- Рустамова, Лейли (2014), "«Умная Сила» России Набирает Обороты", *Право и Управление. XXI век*, №. 3,(32), с: 53-58.

- Смородина Ю.В. (2017), "Мягкая Сила и Умная Сила России в Контексте Украинского и Сирийского Кризисов", *Вестн. Моск. Унта. Глобалистика и Геополитика*. № 4, С: 47-54.
- Столетов О. В. (2014), *Стратегия "Разумной Силы" в Политике Глобального Лидерства*. Дисс. Канд. Полит. Наук. Москва, 2014, с: 152.
- Топорков С., Курляева О. (2012), Премьер-Министр Обозначил Внешнеполитический Приоритет России , *Российская газета*. 03.09.2012. Дата Обращения: 02/05/2019.
- Усачёва Мария (2016), "«Мягкая Сила 2.0» = «Умная Сила»? На Примере Германии и России", *Российский Совет по Международным Делах (РСМД)*, 1 марта 2016, Доступен на: <https://russiancouncil.ru/blogs/riacexperts/31220/>, Дата Обращения: 21/06/2019.